

سرگذشت شگفت‌انگیز حیات روی زمین

دلایل فرگشت جانداران

ریچارد داوکینز

دکتر محمد رضا توکلی صابری



انتشارات معین

فهرست مطالب

۷	درآمد
۱۵	پیشگفتار
۱۹	فصل اول - فقط یک نظریه است؟
۴۱	فصل دوم - سگ‌ها، گاوها و کَلَم‌ها
۷۲	فصل سوم - مسیر سهل و آسان به سوی تکامل کلان
۱۲۷	فصل چهارم - سکوت و زمان کند
۱۵۹	فصل پنجم - پیش همین چشمان خودمان
۲۰۳	فصل ششم - حلقه‌ی مفقوده؟ منظورتان از حلقه‌ی مفقوده چیست؟
۲۵۶	فصل هفتم - آدم‌های مفقوده؟ دیگر مفقوده نیستند
۲۸۹	فصل هشتم - خود شما طی نه ماه آن را انجام دادید
۳۴۵	فصل نهم - کشتی قاره‌ها
۳۹۰	فصل دهم - درخت عموزادگی
۴۵۶	فصل یازدهم - تاریخچه بر همه جای ما نوشته شده است
۵۰۲	فصل دوازدهم - مسابقه‌ی تسلیحاتی و «دادباوری الهی تکاملی»
۵۳۳	فصل سیزدهم - در این دیدگاه از حیات، عظمتی نهفته است
۵۷۳	پیوست - انکارگران تاریخ
۵۸۵	نمایه

فصل اول

فقط یک نظریه است؟

تصور کنید که شما معلم تاریخ روم و زبان لاتین هستید و مشتاقید تا علاقه‌مندی خود را به جهان باستان - مرثیه‌های اووید و قصاید هوراس، اقتصاد نیرومند دستور زبان لاتین، آنچنان که در خطابه‌های سیسرو آمده است، ظرایف استراتژیک جنگ‌های پونیک، فرماندهی جولوس سزار، و زیاده‌روی‌های بی‌اندازه‌ی امپراتورهای پس از وی را - به دیگران انتقال دهید. این کار بزرگی است و به زمان، تمرکز و جدیت نیاز دارد. با این حال متوجه می‌شوید که وقت گرانبه‌ای شما توسط تعدادی جاهل عربده‌کش پیوسته هدر می‌رود و توجه کلاس شما منحرف می‌شود که با حمایت شدید سیاسی و به‌ویژه حمایت مالی به‌طور خستگ‌ناپذیری به این طرف و آن طرف می‌روند تا شاگردان بیچاره‌ی شما را متقاعد سازند که رومی‌ها هرگز وجود نداشتند. هیچ‌گاه امپراتوری روم وجود نداشت. تمامی جهان فقط تا ورای حافظه‌ی معاصر به‌وجود آمده است. زبان‌های اسپانیایی، ایتالیایی، فرانسوی، پرتغالی، کاتالان، اکسیتان و رومانس: همه‌ی این زبان‌ها و لهجه‌های تشکیل‌دهنده‌ی آن‌ها، به یکباره و جدای از هم به‌وجود آمده‌اند و از زبان‌های پیش از آن، مانند لاتین، وامی

نگرفته‌اند. به‌جای اینکه تمام توجه خود را به حرفه‌ی شریف معلمان و اساتید کلاسیک اختصاص دهید، مجبور می‌شوید وقت و انرژی‌تان را به دفاع از پشت جبهه‌ی این قضیه که رومی‌ها اصلاً وجود داشتند معطوف نمایید: دفاع علیه نمایش پیشداوری جاهلانه‌ای که باعث می‌شود به‌گریه بیفتید البته اگر زیاد مشغول مبارزه با آن نباشید.

اگر خیال‌پردازی من از معلم لاتین خودسرانه است، نمونه‌ی واقع‌بینانه‌تری را در اینجا ارائه می‌دهم. تصور کنید که شما معلم تاریخ معاصر هستید و کلاس‌هایتان در مورد اروپای قرن بیستم بایکوت و به‌باد طعنه گرفته شده است و یا اینکه توسط گروه‌های بسیار مهم سازمان‌یافته، ثروتمند و قدرتمند سیاسی منکرِ هولوکاست بر هم زده می‌شود. برخلاف انکارکنندگان روم، منکران هولوکاست واقعاً وجود دارند. آن‌ها پر سروصدا، به‌ظاهر حق‌به‌جانب و در تظاهر به دانستن بسیار ماهر هستند. آنان توسط رئیس‌جمهور حداقل یک کشور قدرتمند حمایت می‌شوند، و دست کم یک اسقف کلیسای کاتولیک روم را در میان خود دارند. تصور کنید که به‌عنوان معلم تاریخ اروپا پیوسته با تقاضای خصمانه‌ی آن‌ها برای «تدریس این بحث» و دادن «فرصت برابر» برای تدریس «نظریه‌های دیگر» روبه‌رو هستید که هولوکاست هیچ‌گاه رخ نداده و توسط یک مشت دروغ‌پرداز صهیونیست اختراع شده است. روشنفکران نسبت‌گرا نیز طبق مد روز با هماهنگی اصرار دارند که حقیقت مطلق وجود ندارد: اینکه آیا هولوکاست رخ داده است، موضوع اعتقاد شخصی است؛ تمام نقطه‌نظرها به یکسان اعتبار دارند و به‌طور مساوی باید «محترم» شمرده شوند.

امروزه وضع آموزگاران علم نیز بهتر نیست. هنگامی که می‌خواهند اصل مرکزی و هدایت‌کننده‌ی زیست‌شناسی را شرح دهند و صادقانه

جهان زنده را در متن تاریخی‌اش بگذارند - یعنی همان تکامل - و هنگامی که طبیعت خود حیات را می‌کاوند توضیح می‌دهند، به ستوه می‌آیند و در بن‌بست قرار می‌گیرند، تهدید و تطمیع، و به از دست دادن شغلشان تهدید می‌شوند. کمترین آن این است که وقت آن‌ها در هر کوششی تلف می‌شود. احتمال زیادی می‌رود که نامه‌های تهدیدکننده از والدین دریافت کنند و مجبور شوند سخنان نیشدار توأم با پوزخند مغرورانه و آغوش بسته‌ی کودکان شستشوی مغزی‌یافته را تحمل کنند. آن‌ها کتاب‌های درسی دولتی را دریافت می‌کنند که کلمه‌ی «تکامل» به‌طور سامانمندی از آن‌ها حذف، و یا با عبارت «تغییر در طی زمان» جایگزین شده است. زمانی سعی می‌کردیم به این جور چیزها به‌عنوان یک پدیده‌ی آمریکایی ویژه بخندیم. اکنون آموزگاران در بریتانیا و اروپا با همین مشکل روبه‌رو هستند. بخشی به‌خاطر تأثیر آمریکا ولی مهم‌تر از آن به‌علت حضور فزاینده‌ی قشری‌ها در کلاس درس است.

به‌طور مکرر، و به‌درستی گفته می‌شود که روحانیون و مراجع دینی ارشد با تکامل مسئله‌ای ندارند، و از این نظر در موارد بسیاری از دانشوران^۱ به‌شدت حمایت می‌کنند. این موضوع اغلب واقعیت دارد، آنچنان که من از تجربیات خوب همکاری با اسقف قبلی آکسفورد و لرد هاریس کنونی در دو موقعیت مجزا اطلاع دارم. در سال ۲۰۰۴، ما مقاله‌ی مشترکی در *سائیدی تایمز* نوشتیم که کلمات پایانی آن، این بود: «اکنون چیز دیگری نمانده است تا در موردش بحث شود. تکامل یک حقیقت و از دیدگاه مسیحیت یکی از بزرگ‌ترین کارهای خداوند است.» جمله‌ی آخر توسط ریچارد هریس نوشته شد، ولی هر دو در مورد بقیه‌ی این مقاله

1. scientists